



مصاحبه با پروفیسور مایکل بھی

نقد کننده نظریه داروین

مصاحبه با پروفیسور مایکل بھی

نقد کننده نظریه داروین

متن زیر گفت و گوی اختصاصی روزنامه اعتماد ملی با پروفیسور «مایکل بھی» نویسنده کتاب جعبه سیاه داروین و طراح نظریه «پیچیدگی کاهش ناپذیر» است که به صورت جدی به نقد نظریه داروین می پردازد.

مایکل بھی:

بسیاری از دانشمندان دوست دارند فکر کنند که می توانند همه ویژگی های جهان هستی را توضیح دهند، در نتیجه در مقابل کسانی که ادعا می کنند شاید علم نتواند این کار را انجام دهد، موضع می گیرند و نهایتاً برخی از دانشمندان، به ویژه در مراکز برگزیده و نخبه علمی، منکر خداوند هستند و نمی خواهند اصلاً خداوند یا هر چیزی فراتر از طبیعت وجود داشته باشد.

آنها در مقابل هر چیزی که ممکن است به آنها ثابت کند شاید اشتباه می‌کنند، شدیداً خواهند ایستاد.

مباحثه و مناظره بین طرفداران دو مکتب علمی تکوین‌گرایی و خلقت‌گرایی در سال ۲۰۰۹ میلادی و همزمان با دویستمین سالروز تولد «چارلز داروین» دانشمند و زیست‌شناس انگلیسی و بنیانگذار نظریه تکامل که از او به عنوان پدر علوم بریتانیا یاد می‌کنند، به اوج خود رسید.

نظریه‌های این زیست‌شناس برجسته که با انتشار یک اثر تحول‌آفرین و بی‌مانند به نام «اصل انواع» در سال ۱۸۹۵، آوازه جهانی خود را ماندگار کرد و بنیانگذار یک جنبش نوین در عرصه علوم طبیعی شد، ۲۰۰ سال پس از تولد او همچنان با حرارت و اشتیاق در محافل علمی دنبال می‌شود. طرفداران مکتب فکری خلقت‌گرایی باور دارند که نظریه‌های «چارلز داروین» و آنچه او در کتاب «اصل انواع» به عنوان نظریه انتخاب طبیعی بسط و گسترش داده، متناقض هستند و قوانین اثبات شده خلقت را نفی می‌کنند.

از سوی دیگر، طرفداران مکتب فکری تکوین‌گرایی که از آنها به عنوان «داروینیست» نیز یاد می‌شود، اعلام می‌کنند خلقت‌گرایان پایه‌های مستدل و مستندی برای اثبات باورهای خود ندارند و تنها پیرو عقائدی هستند که جهان

سکولار، تمایلی به توقف روی آنها ندارد. پروفیسور «مایکل بهی» بیوشیمی‌دان و زیست‌شناس شهیر آمریکایی که با طرح نظریه «پیچیدگی کاهش‌ناپذیر» در ردّ نظریه انتخاب طبیعی، محافل خبری علمی در سراسر جهان را به خود معطوف کرد و انتشار کتاب جنجالی او با نام «جعبه سیاه داروین» در سال ۱۹۹۶، معادلات در مناظره بین «تکوین‌گرایان» و «خلقت‌گرایان» را دگرگون ساخت تا امروز به دلیل طرح دیدگاه‌هایی که جامعه علمی اروپا و آمریکا معمولاً مشابه آن را نمی‌شنود، با اتهامات و حملات فراوانی مواجه شد، از جمله اینکه منتقدان، فرضیه‌های او را «استدلال از روی جهالت» خواندند. بنا به نظریه پیچیدگی کاهش‌ناپذیر (که به دلیل ارتباطات مفهومی با مکتب «طراحی هوشمند» در جامعه آمریکا با واکنشی پرخاشگرانه مواجه شده) برخی سیستم‌های بیوشیمیایی وجود دارند که به شکلی ناکاستنی و ساده‌نشده‌ی، پیچیده و غامضند و از همین رو نمی‌توانند در طول زمان، از شکل‌های ساده‌تر به شکل‌های پیچیده‌تر ارتقاء یافته باشند. اگر با استفاده از برخی مثال‌های عینی در سیستم عصبی یا گوارشی بدن، این امر ثابت شود که بافت‌های سلولی، لزوماً در طول زمان تکوین نیافته‌اند و در یک فرآیند تاریخی پیچیده‌تر نشده‌اند، نظریه تکوین «چارلز داروین» با چالشی اساسی روبه‌رو خواهد شد.

گروه علم روزنامه اعتماد برای بررسی دقیق‌تر مکتب فکری «خلقت‌گرایی» گفت وگویی اینترنتی با پروفیسور «مایکل بهی» ترتیب داد تا تصویر روشن‌تری از این نظریه ترسیم شود.

سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی هر کدام به فراخور وظایف و اختیارات خود، بر سال ۲۰۰۹ میلادی نام‌هایی گذاشته‌اند که از جمله آنها سال جهانی «سیب زمینی»، سال جهانی «نیکلای گوگول»، سال جهانی «آشتی» و سال جهانی «نجوم» را شنیده‌ایم. با این حال سال ۲۰۰۹ به واسطه اینکه دویستمین سالگرد تولد «چارلز داروین» دانشمند پرآوازه انگلیسی و واضع نظریه «تکوین» به شمار می‌رود، در جامعه بین‌الملل و محافل علمی سراسر جهان ارج و اهمیت خاصی داشته و تلاش‌های زیادی برای تمایز این سال به خصوص انجام شده تا در آن بازخوانی نظریه‌ها و دیدگاه‌های «داروین» و بزرگداشت او به شکل چشمگیر و خیره‌کننده‌ای انجام شود. جشنواره‌ها، مسابقات، سمپوزیوم‌ها و کنفرانس‌های بزرگ بین‌المللی با صرف میلیون‌ها دلار و با رهبری دانشگاه‌ها و موسسه‌های علمی انگلیس در این سال برپا شدند تا میراث «داروین» که در کنار «ایزاک نیوتن» سمبل علم و دانش بریتانیای کبیر به شمار می‌رود، به شایستگی حفظ و حراست شود.

با این حال پس از گذشت بیش از ۵۰ سال از طرح نظریه «تکوین» در کتاب «منشاء انواع» که در آن وجود یک سازوکار هوشمند و از پیش

برنامه‌ریزی شده برای خلقت موجودات به چالش گرفته شده و از همین رو نیز بسیاری از دانشمندان دین‌گرا، نظریه‌های «داروین» را زیربنای آغاز عصر جدید سکولاریسم در اروپا می‌دانند، هنوز ابهام‌ها و پرسش‌های متعددی درباره صحت و اتقان علمی نظریه‌های او وجود دارد و کتاب «جعبه سیاه داروین» نوشته پروفیسور «مایکل بهه» نیز از جمله کتاب‌هایی است که سؤالات چالش‌برانگیزی درباره اصل انتخاب طبیعی، موتاسیون، «تکوین» و سایر نظریه‌های «داروین» مطرح می‌کند. با وجود اینکه دانشمندان خلقت‌گرا به دلیل طرح و بحث درباره آنچه جامعه علمی اروپا غالباً «شبه علم» می‌خواند، تحت فشارها و محدودیت بوده اند و اغلب اوقات نیز به دادگاه کشیده می‌شوند، پروفیسور «مایکل بهه» که با طرح نظریه «پیچیدگی کاهش‌ناپذیر» در سال ۲۰۰۶ به شهرت جهانی دست یافت، از جمله نظریه‌پردازان علوم طبیعی است که به رغم مواجهه با حملات و تهدیدهای متعدد، همچنان دیدگاه‌های خود را تبلیغ می‌کند و در سال ۲۰۰۷ نیز با دریافت ۲۰ هزار دلار حاضر شد نظریه‌های علمی خود را به‌عنوان یک «شاهد متخصص» در دادگاه ACSIV.Roman Sterns مطرح کند. خلاصه نظریه پیچیدگی کاهش‌ناپذیر از دیدگاه پروفیسور «بهی» این است که برخلاف آنچه «داروین» ادعا می‌کند، برخی از ساختارهای بیولوژیک، آنقدر پیچیده هستند که نمی‌توانند در طول زمان و پس از مدتی «غیاب» و «عدم»،

ناگهان بروز کرده باشند و وجود آنها از ابتدا برای رشد و تکامل موجود زنده «حیاتی» و «اجتناب‌ناپذیر» بوده است، در نتیجه این گونه نیست که بر اثر تعامل با محیط اطراف یا به دلیل جبر زمانی، برخی ویژگی‌های جدید در موجودات زنده بروز کند. البته برخی از دانشمندان در پاسخ به نظریه «مایکل بهه»، «زرافه» را مثال زدند که در ابتدا یک موجود کوتاه‌قد بوده، اما در طول هزاران سال و برای دستیابی به برگ‌های درختانی که به مرور بلندتر می‌شدند، خود را بالاتر کشیده و نهایتاً به موجودی با گردن بسیار دراز تبدیل شده است. با این حال پروفیسور «مایکل بهه» بیوشیمیدان آمریکایی و استاد Lehigh University در پنسیلوانیا در گفت‌وگوی اختصاصی با «اعتماد» از نظریه‌های خود دفاع می‌کند و پاسخ برخی از ابهامات رایج در جامعه علمی را نیز می‌دهد. در این گفت‌وگو همچنین به طرح دعوای قضایی عده‌ای از والدین دانش‌آموزان مدرسه Dover Area School District علیه مسوولان مدرسه که تصمیم داشتند در کنار نظریه‌های تکوین‌گرایانه «داروین»، نظریه «طراحی هوشمند» را نیز در واحدهای درسی دانش‌آموزان بگنجانند، اشاره شده است. در نتیجه برگزاری این دادگاه، انتخاباتی برگزار شد که اعضای هیات‌مدیره قدیم همگی در آن باختند و یک هیات‌مدیره جدید روی کار آمد. همچنین با استناد به قانون اساسی ایالات متحده امریکا

و به حکم قاضی «جان ادوارد جونز سوم»، تدریس نظریه خلقت تا اطلاع ثانوی در مدارس ایالت پنسیلوانیا ممنوع شد.

- آقای پروفیسور «بھی»، دانشمندان به طور طبیعی و به عنوان بخشی از وظایف علمی خود، نظریه‌های را مطرح می‌کنند و این نظریه‌ها در محیط دانشگاهی مورد بحث قرار می‌گیرند: یا مورد پذیرش قرار می‌گیرند یا در نتیجه بحث و بررسی‌ها رد می‌شوند. اما دیده می‌شود بعضی از این نظریه‌های علمی، مورد برخوردهای سیاسی قرار می‌گیرند. حتی زمانی که شما نظریه «پیچیدگی کاهش‌ناپذیر» را مطرح کردید، دانشگاه Lehigh بیانیه‌ای صادر کرد و به طور آشکار، از این نظریه برائت جست و گفت از آن حمایت نمی‌کند. دلیل این گونه عکس‌العمل‌ها به یک نظریه علمی چیست؟

- فرضیه‌های علمی معمولاً جنجال‌برانگیز نیستند مگر اینکه دلالت‌های سیاسی، اخلاقی یا هستی‌شناسانه داشته باشند. نظریه «طراحی هوشمند» هم نمونه‌ای از یک تئوری علمی با دلالت‌های هستی‌شناسانه است، به این معنا که «چه چیزهایی وجود دارند». با این حال بعید است این نظریه، اولین نمونه باشد. در قرن هفدهم «نیوتن» هم فرضیه گرانش را مطرح کرد. در زمان خود، این نظریه بسیار جنجال‌آفرین شد، چرا که «نیوتن» عملاً

می‌گفت اجسام بدون اینکه با یکدیگر تماس فیزیکی داشته باشند، می‌توانند تعامل کنند. این نظریه برخلاف دیدگاه‌های رایج آن زمان بود و به نظر می‌رسید «نیوتن» می‌خواهد ادعا کند در جهان ما چیزهای بیشتری از آنچه دیده می‌شود، وجود دارد. نمونه دیگر هم تئوری «انفجار بزرگ» است. صد سال پیش دانشمندان تصور می‌کردند جهان هستی، پایان‌ناپذیر و اساساً غیرقابل تغییر است. اما نجوم اثبات کرد کهکشان‌ها در حال فاصله گرفتن از یکدیگر و از زمین هستند، و این آغاز نظریه انفجار بزرگ بود. برخی از دانشمندان از این نظریه متنفر بودند، چرا که باور داشتند این دیدگاه می‌تواند به یک مبدأ اشاره کند و آن مبدأ خلقت هستی است.

- من تصور می‌کنم نظریه «طراحی هوشمند» هم به همین دلایل بحث‌برانگیز بوده است. همانند نظریه «انفجار بزرگ»، این دیدگاه هم به چیزی که فراتر از توضیح ما برای جهان هستی است، اشاره می‌کند. یعنی آیا جهان مدرن و توسعه‌یافته غرب از باور مردم به یک خالق هوشمند که ما به عنوان «خداوند» می‌شناسیم و معتقدیم در چارچوب مفاهیم علم لمس‌شدنی و عینی قابل تعبیر و تعریف نیست، هراسان خواهد بود؟ چرا آنها اجازه تدریس نظریه «طراحی هوشمند» را در مدارس خود نمی‌دهند؟

دلایل مختلفی وجود دارد که چرا در مجامع علمی، چنین واکنش‌های سختی نسبت به نظریه «طراحی هوشمند» وجود دارد. نخست اینکه حداقل در ایالات متحده، تاریخچه‌ای از درگیری بین علم و برخی از گروه‌های مذهبی که برای زمین عمر کمی قائل هستند، وجود دارد، در نتیجه برخی هم نظریه طراحی هوشمند را در چارچوب همان درگیری‌ها می‌بینند. دلیل دوم این است که بسیاری از دانشمندان دوست دارند فکر کنند که می‌توانند همه ویژگی‌های جهان هستی را توضیح دهند، در نتیجه در مقابل کسانی که ادعا می‌کنند شاید علم نتواند این کار را انجام دهد، موضع می‌گیرند و نهایتاً برخی از دانشمندان، به ویژه در مراکز برگزیده و نخبه علمی، منکر خداوند هستند و نمی‌خواهند اصلاً خداوند یا هر چیزی فراتر از طبیعت وجود داشته باشد. آنها در مقابل هر چیزی که ممکن است به آنها ثابت کند شاید اشتباه می‌کنند، شدیداً خواهند ایستاد.

- گفته می‌شود دادگاه «کیتز میلر» و مدرسه Dover Area School District در سال ۲۰۰۵، که شما نیز در آن به حمایت از تصمیم هیات مدیره مدرسه شهادت دادید، یکی از نخستین نمونه‌های مقاومت رسمی در برابر نظریات خلقت‌گرایانه در آمریکا بوده و در آن تدریس نظریه «طراحی

هوشمند»، مغایر با قانون اساسی تشخیص داده شده است. آیا تصور می‌کنید حکم پایانی قاضی «جان ادوارد جونز سوم» بی‌طرفانه و عینی بوده است؟

- نه، من تصور نمی‌کنم حکم قاضی «جونز» بی‌طرف و عاری از تعصب بوده است. من فکر نمی‌کنم قاضی هیچ کدام از استدلال‌های آکادمیک را که در دادگاه او، چه از دیدگاه علمی، فلسفی، خداشناسی و چه از طرف شکات و متهمان مطرح شد، متوجه شده باشد. اگر شما اسناد مربوط به دادگاه را بررسی کنید، خواهید دید که وقتی در حکم قاضی از ماهیت علم صحبت به میان آمده، دیدگاه‌های قاضی به‌طور کلی از سندی که توسط وکیل یکی از شاکیان به او داده شده، کپی‌برداری شده است. هیچ مدرکی در دست نیست که بدانیم او آنچه رونویسی می‌کرده را متوجه شده است. اما وقتی مجامع علمی معتبر همگی با قدرت در برابر هیات‌مدیره یک مدرسه محلی در سوی دیگر صف کشیدند، قاضی هم به سمت آنانی رفت که در جامعه از قدرت فرهنگی برخوردار هستند.

- من از تصمیم قاضی متأسفم، اما تصور می‌کنم انتخاب هیات‌مدیره که در آن اعضای قدیمی باختند و یک گروه جدید روی کار آمد، نمونه‌ای معقول از یک حرکت دموکراتیک بوده است. موضوع اصلی برای بسیاری از ساکنان

محلی، مطالبی که در مدرسه تدریس می‌شد، نبود بلکه هزینه‌های دادگاه بود که از یک میلیون دلار فراتر رفت. شهروندانی که فرزندان‌شان در آن مدرسه نبودند یا اطلاع کمی از موضوع داشتند، باید همچنان مالیات‌های بیشتر پردازند تا بتوانند مخارج قانونی دادگاه را پردازند. این بسیاری از آنها را عصبانی کرد و در نتیجه آنها علیه هیات‌مدیره قدیم رأی دادند.

- آقای پروفیسور «بھی» چرا عده‌ای از دانشمندان اروپایی معتقدند یک دیدگاه خلقت‌گرایانه درباره ماهیت هستی با صحت علمی نظریه «تکوین» در تعارض است و در نتیجه علم و دین نمی‌توانند با یکدیگر سازگار باشند؟ آیا این تنها به دلیل ذکر مدت خلقت جهان در شش روز است که انجیل به آن اشاره می‌کند یا ارتباطی به دیدگاه برخی از خلقت‌گرایان که معتقدند جهان در ۱۰ هزار سال پیش شکل گرفت، دارد؟

- در واقع اختلاف اصلی بر سر نقش «تصادفی بودن» در نظریه تکامل است. بسیاری از دانشمندان، تعبیر مذهبی درباره خلقت و حتی آنانی که به قدمت طولانی زمین اذعان می‌کنند را هم نادیده می‌گیرند چرا که نظریه داروین مستلزم این است که حیات تنها بر اساس تغییرات تصادفی و انتخاب طبیعی اتفاق بیفتد. اگر خداوند به هر شکلی در حال هدایت کردن تحولات زندگی

است، در نتیجه حیات تنها بر اساس «شانس» توسعه نیافته، بلکه براساس هدایت و طراحی به رشد رسیده است. بسیاری از دانشمندان این احتمال را بنا به دلایلی که در سوالات قبلی توضیح دادم، دوست ندارند. تنها این نیست که عده‌ای معتقد باشند جهان ۱۰ هزار سال پیش متولد شده است. بسیاری از دانشمندان، به شدت در برابر هر نظریه‌ای که دلالت بر طراحی هوشمندانه جهان داشته باشد، می‌ایستند. سازمان‌های رسمی علمی همان قدر مخالف ادعاهای محدود نظریه «طراحی هوشمند» هستند که مخالف باورمندان به یک جهان کم سن و سال.

- با این تفاسیر، یکی از نظرسنجی‌های منتشر شده در فوریه ۲۰۰۹ توسط مؤسسه گالوپ نشان می‌دهد تنها ۳۹ درصد از مردم امریکا اذعان کرده‌اند «به فرضیه تکامل باور دارند» و در انگلستان هم به‌طور مشابه، نظرسنجی «نجات داروین» نشان داد تنها ۲۵ درصد از بریتانیایی‌ها باور دارند تئوری تکامل «چارلز داروین»، «کاملاً صحیح» است. دلیل این تردیدها به نظر شما چیست؟

- من فکر می‌کنم دلیل اصلی این اختلاف، تفاوت بین فلسفه عناصر نخبه جامعه و مردم عادی است. بسیاری از نخبگان جامعه ما مانند دانشگاهیان،

رسانه‌ها، صاحبان صنایع، هنر و... معتقد به سکولاریسم هستند و در نتیجه نظریه «داروین» با جهان‌بینی آنها سازگار است. اما توده‌های مردم عادی دارای دیدگاه‌های مذهبی هستند و نگاه آنها محدود به این نیاز نیست که همه چیز در جهان را براساس شانس و قوانین طبیعی توضیح دهند. در نتیجه وقتی آنها شواهد نظریه «داروین» را می‌بینند، بسیاری از مردم نسبت به آن رغبتی ندارند.

- و در پایان اینکه مخالفان نظریه طراحی هوشمند، استدلال خلقت‌گرایان را که سیستم‌های بیولوژیک پیچیده نمی‌توانند به مرور زمان و تدریجاً ایجاد شده باشند رد می‌کنند و آن را «استدلال از روی جهالت» می‌دانند. با این حال علم هنوز از پاسخ به بسیاری از سؤالات رایج، از جمله چرایی روی‌دادن توانایی ویژه صحبت به چندین زبان مختلف در مبتلایان به سندرم آسپرگر عاجز است و کارکرد مغز در این زمینه را شناسایی نمی‌کند. شما در این زمینه چه فکر می‌کنید؟

- من موافقم که علم توضیح بسیار کمی درباره کارکرد ذهن انسان ارائه داده است. این امر به خودی خود تعجب‌آور نیست چرا که سؤالات زیادی وجود دارد که علم حتی در آنچه مردم به عنوان قلمرو اصلی علم می‌شناسند هم

نمی‌تواند پاسخی به آنها بدهد. این اختلاف بزرگ به این دلیل رخ می‌دهد که بسیاری از دانشمندان تصدیق نمی‌کنند چیزهایی فراتر از قلمرو علم هم وجود دارد. آنها برخلاف همه شواهد، فرض می‌کنند مغز انسان تنها یک فشرده پیچیده از مواد است و به چیز بیشتری اشاره نمی‌کنند. این دیدگاه برای بسیاری از غیردانشمندان نامفهوم است، اما به این دلیل که بسیاری از دانشمندان، خود را باهوش‌تر و بهتر از اکثریت انسان‌ها می‌دانند، به دیدگاه‌های آنان هم احترام نمی‌گذارند. یقیناً این امر به تناقض‌هایی منجر می‌شود و در نتیجه یک دانشمند باید فکر کند که ذهن خود او هم تنها ترکیبی از مواد است که برای بقا ساخته شده‌اند، اما اکثر دانشمندان، فلاسفه خوبی نیستند و تناقض‌ها را نمی‌بینند.

منبع:

گفت وگویی اختصاصی با پروفیسور «مایکل بهی» درباره داروین: دانشمندان، فیلسوفان خوبی نیستند، روزنامه اعتماد، ۲۷ دی ۱۳۸۸.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَاقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامِ



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir